

## مدخل

از آغاز پیدایش خط تا امروز تنها درصد اندکی از مردم توانایی خواندن و نوشتن را داشته‌اند. حتی زمانی که توان خواندن و نوشتن زیاد شد، فقط شمار کمی از مردم آن هم به‌طور تفننی به ثبت اندیشه‌های خود دست می‌زدند. متون ثبت شده - نوشته شده - بسیار زیبا بوده اما پیوسته تمایل به سوی طرح و جاودانه‌سازی امور برگزیدگان در همه‌ی جای‌ها و همه‌ی زمان‌ها را داشته‌اند. با این وجود، حضور شواهد دیگر تاریخی در قالب دستاوردهای فنی - هنری بشری مانند سکه، سفال، نقاشی و بناها باعث شد که مورخان تمایلات ذکر تاریخ را که به سمت و سویی بالای هرم اجتماعی داشت به سایر اقشار بسط داده و گذشته را با آزادی بیشتری به حیطه‌ی تاریخ آورده و تبیین نمایند.

در عین حال یکی از اصول مهم نزد مورخان این است که جایی که ثبت نباشد تاریخ نیست. در واقع عدم ثبت و ضبط به موقع وقایع و جریان‌ها، منجر به نادیده انگاشته شدن و مردمی می‌شود که مطمئناً در گذشته‌ی حیات اجتماعی بشر دارای نقش‌هایی بوده‌اند. در حالی که ما در همه جا این نقش‌ها را حس کرده و در می‌یابیم و لسی آن چه که به حضور تاریخی آن‌ها کمک می‌کند در دسترس مورخ نیست. یعنی ظهور شهرها، شهرک‌ها، صنایع، خدمات و اصناف جدید از جمله مثال‌هایی هستند که به دلیل عدم ثبت به موقع، چگونگی به وجود آمدن آن‌ها در محاق قرار گرفته است. مردم بی‌تاریخ الزاماً مردمی نیستند که در گذشته ایفاکننده‌ی نقشی نبوده‌اند، شاید مردمی باشند که تاریخ‌فردایشان را به نحو شایسته‌ای ثبت نکرده باشند. آن‌ها توجهی به زمان خویش زمان حال - نداشته‌اند. آمدن به صحنه‌ی تاریخ و ماندگاری در آن پدیده‌ای است که خیلی مربوط به عزم عمومی<sup>۱</sup> در

تاریخ‌شناسی

# تاریخ آینده و اسناد

سید حسن نوربخش

دبیر علوم اجتماعی منطقه‌ی سامان

از استان چهارمحال و بختیاری

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، سند، مورخ.

## مقدمه

روی سخن این مطلب با همه‌ی اهل تاریخ است. همه‌ی کسانی که به نوعی در کار تاریخ‌نگاری دخیل بوده‌اند و دغدغه‌ی گذشته و آینده‌ی این حرفه را دارند. اگر چه با این سخن همه مردم می‌توانند در نظر آیند ولی متخصصین می‌دانند که کار باید از جایی آغاز شود و یا حداقل برای «عمومی سازی» آموزش تاریخ توصیه‌های عملی و راهکارهای مناسب ارائه شود. اما پیش از آن، نیاز است که طرح این موضوع میان اهل فن تاریخ جایابی شده آن‌گاه راهکارهای مربوط پیش نهاد گردد. از این رو که اگر شروع این بحث بتواند منجر به گشودن راه‌هایی به سوی آینده‌ی تاریخ گردد نیز بسیار مغتنم است.

«گذشته» در جهان متغیر امروز، پیوسته دچار تفسیرهای گوناگونی می‌شود. جهان امروز با ابزارها و وسایل متفاوتی که در اختیار مورخ قرار می‌دهد، راه او را در فهم گذشته هموارتر می‌سازد. اما این گذشته در همه حال از کانال شواهد<sup>۲</sup> است که امکان رؤیت در صحنه‌ی تاریخ را می‌یابد. هم‌چنین خواننده‌ی تاریخ نیز از مجرای کلمه‌ها به گذشته کشیده می‌شود. یعنی گذشته و خواننده‌ی امروز، با هنرمندی مورخ، جهت کارگردانی کلمه‌ها، وجود دارد یا خیر، وضعیتی است که مورخ همیشه در صدد تکمیل آن برآمده است.

قدر مسلم این که اتفاقات گذشته قابل تغییر نیستند. اما آنچه که پیوسته تغییر می‌کند، زمان‌های مختلف و رشد و توسعه در حال جریان است. مورخ با در نظر گرفتن این دو مسئله، یعنی عدم تغییر در وقایع گذشته و تداوم تغییرات در زمان حال، در شرایطی قرار می‌گیرد که پیوسته نگاهش به گذشته دگرگون می‌شود و این پرسش دغدغه‌ی ذهنی اوست که آیا حال می‌تواند گذشته را تغییر دهد و تا چه حد در این تغییر مؤثر است؟<sup>۳</sup> با توجه به این مسئله او درمی‌یابد که جهان آینده این روال را طی خواهد کرد. با درک این متغیر در جهان امروز و آینده، او می‌خواهد گذشته را به صحنه‌ی تاریخ بکشد. حداقل با وقوف بر این مسئله، مورخ به اهمیت موقعیت زمانی خویش در این حلقه آگاهی می‌یابد و شاید وقایع امروز، یعنی وقایع هم زمان مورخ، قابل فهم و برای او عینی‌تر باشند. چرا که او و واقعه آهر دو بر آن است که تجسم تغییرات کنونی و تأثیر آن بر ثبت وقایع را برای مورخ فردا مهیا سازد.

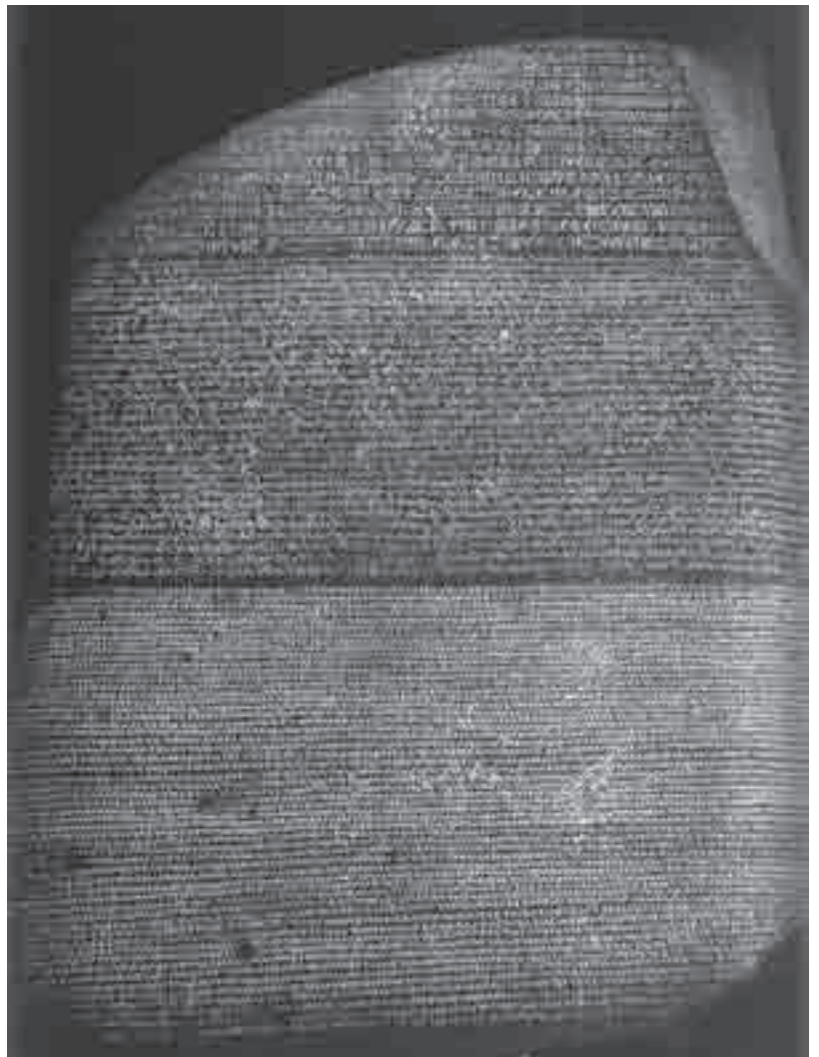
## ◆ یکی از اصول مهم نزد مورخان این است که جایی که ثبت نباشد تاریخ نیست

آیا در این قرن بالا رفتن سطح آگاهی‌های عمومی به دلیل بسط وسایل ارتباط جمعی از جمله نتیجه‌ی این فکر بوده است؟ در همه حال، برای مثال، پزشکان مایل اند همه‌ی مردم به حداقلی از بهداشت دست یابند تا آن‌ها به عنوان متخصص فراغت یافته به مسائل فنی‌تر برسند - اگر چه این ناممکن بنماید - تا نیازی به هیئت متخصص فردی نباشد و جامعه جایگزین آن شود. علم تاریخ و مورخ هم از این اصل مستثنی نیست. حداقل نتیجه‌ی تلاش‌های مورخین این را می‌رساند که اگر او به عنوان مورخ آگاهی و معرفتی دارد بر آن است که همه از آن بی بهره نباشند. به بیان دیگر نهایت فکر کارکردی مورخ شاید این باشد که همه مورخ شوند. یا حداقل مردم به مرحله‌ی از رعایت «بهداشت تاریخی» برسند تا این همه مورخین، هم چون صدها سال گذشته، وادار به ذکر اخباری نشوند که همه وقت مردم فراموششان می‌شود. یا این که حداقل به آن مرحله از آگاهی‌های تاریخی برسند تا هم موجبات صحت تاریخ خود را آماده ساخته و هم شرایط را برای پیشرفت افراد متخصص این فن مهیا سازند. در یک مقایسه، علی‌رغم حجم چشمگیر تولیدات تاریخی، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری ما در ایران سخت دچار خردسالی است و در حیطه‌ی جهانی نکته‌ای چشمگیر برای مطرح کردن ندارد. شاید این یک ضرورت باشد، چرا که جامعه‌ی ما خیلی با تاریخ خود در مفهوم کاربردی آن کاری ندارد. اگر چه گذشته را دلنشین می‌پندارد ولی در آینده تاریخ آن را خیلی قابل دفاع نمی‌یابد.

خبری می‌شده باز برای حفظ وجهه‌های حکمرانی و اسباب ماندگاری آن‌ها بوده است. سایرین از جمله مردم معمولی<sup>۱</sup> نیز برای این حضور، هم باید تشویق شوند و هم آموزش ببینند.

این سوی دیگر به نظر می‌رسد که کمال هر علمی فراگیر شدن آن است، تا آن‌جا که همه نسبت به کارکردهای عام ظرایف آن واقف شده و نکات آن را دریابند. هر عالم یا دانشمندی به فراخور حال مایل است تولیدات ذهنی و دریافت‌های علمی خود را گسترش داده و به همه‌ی سطوح اجتماعی انتقال دهد و از این راه دانش خود را فراگیر کند و مردم را از فواید آن بهره‌مند سازد. نه

حفظ و طرح خود در آینده و علایق آن‌ها به حقایق می‌باشد.<sup>۲</sup> چنین عزمی در قالب روایت‌های نوشتاری و گفتاری خودنمایی کرده و دریچه‌های گذشته را بر روی مورخ و تاریخ باز کرده و گشوده نگه می‌دارد. این، چه ناعادلانه باشد و چه مغرضانه تلقی شود، در واقع منطبق حضور در تاریخ است. نه آیا آن‌جا که تاریخ خیلی سخن می‌گوید نشان از عزم سیاستمداران دارد؟ یعنی سیاستمداران بیش از هر قشر دیگری عزم ماندگاری در آینده را با هزینه کردن از کیسه‌ی فرمانبران نشان داده‌اند. چنان‌که تا قرن اخیر، بی‌اغراق، همه‌ی تاریخ برابر با تاریخ فرمانروایان بوده و تنها جاهایی اندک که از فرمانبران ذکر



بنابراین تاریخ را بیشتر در حیطه‌ی غیرثبت شده و در آرزوهای خود می‌پسندد تا در متن<sup>۱۱</sup> و حیطه‌ی معین و ثبت شده. این فقر تاریخ‌خواهی چاره‌ای جز آموزش صحیح ندارد. این آموزش هم تنها منوط به فعالیت‌های مدرسه و معلم نیست، بلکه عزم عمومی است که به هر روی متولیان آن باید زمینه‌های فنی‌تر بحث را خود حل و فصل نموده و آن را در سطح عموم گسترش دهند. این چیزی است که می‌تواند دغدغه‌ی

مشارکت و اقدام را داریم. از سوی دیگر، از آن‌جا که حیات بشری خواه ناخواه، چه نسبت به آن بی‌تفاوت و یا فعال باشیم، سر به پیش دارد. از این رو در مواردی ما تلاش داریم تا موجبات فراهم آوردن یا نیاروردن رخدادهایی را زمینه‌سازی کنیم. از جهت دیگر، همان‌طور که ما پیش از هر عملی اندیشه می‌کنیم، این اندیشه‌ها در واقع راهی به سوی آینده دارند. با این وجود، اگرچه، هیچ‌گاه آگاهی کامل نسبت به آینده

ما به آینده آن‌ها با نگاهی به عقب، چنان‌که خاتمه یافته و بسته است، می‌نگریم. شاید آن‌ها خویش را مختار در گزینش و آزاد در عمل دیده باشند. در حالی که ما با نگرش به گذشته آن‌ها را مقهور ضرورت و تقدیر می‌بایم. به بیان دیگر، شاید آن‌ها در برخی موارد، بیش از آن که خود تصور می‌نمودند و ما مبهوت جهل آن‌ها باشیم، قوه‌ی گزینش و انتخاب داشته‌اند، ولی عمل نکرده‌اند و یا از سوی دیگر در محورهای شانس خود را آزموده‌اند و توان رهیابی نداشته‌اند. از این رو می‌توان تصور کرد تاریخ زمانی بهتر فهمیده می‌شود که آن را نه به عنوان کتابی بسته درباره‌ی گذشته بدانیم، بلکه آن را مسئله‌ای از زمان‌های حال بدانیم که هر کدام هنوز گشوده‌اند و آبستن فرصت‌هایی برای گشوده شدن هستند. زمان ما هم، به عنوان یک زمان حال، گسسته از گذشته نیست. همین‌طور این زمان به زمان آینده وصل است، چرا که نه عمل و نه تفکر سیر جدا از هم نداشته و همواره در فرایند زمان به گذشته تبدیل می‌شوند.

افزون بر این، جریان نگرش به تاریخ فردا از شیوه‌های خاصی می‌تواند پیروی کند. بدین ترتیب منظور از تاریخ آینده از یک منظر در واقع شاید ثبت صحیح وقایع و جریان‌های امروز برای مورخ فردا باشد. وقایع و جریان‌هایی که امروز ناظر آن هستیم و رفته رفته به دل زمان گذشته سپرده می‌شوند، آن‌گاه مورخان آینده تلاش در بازسازی و نگارش آن‌ها در قالب تاریخ دارند. امروز با وقوف بر مشکلات مورخان دیروز می‌بایستی روش‌های ثبت و تولید منبع را به سوی تکثیر و تکامل هدایت کرد. تکاملی که عاری از کمبودها و نبودهایی باشد که پیوسته مورخان را در بازسازی گذشته دچار مشکل می‌کرده است. بنابراین به عنوان یک مطلب اساسی می‌توان پرسید که مردم چگونه می‌توانند در تولید محتوای موردنیاز مورخان فردا مشارکت داشته باشند.

### ◆ تاریخ علم آموزش درباره‌ی گذشته است. گذشته‌ای که ما نمی‌توانیم آن را

تغییر دهیم. آن چه را که ما می‌توانیم بر آن مؤثر باشیم همانا آینده است

### ◆ امروز با وقوف بر مشکلات مورخان دیروز می‌بایستی روش‌های ثبت و

تولید منبع را به سوی تکثیر و تکامل هدایت کرد. تکاملی که عاری از کمبودها و

نبودهایی باشد که پیوسته مورخان را در بازسازی گذشته دچار مشکل می‌کرده

است

فکری مورخ فردا و تاریخ آینده‌ای ما باشد.

### تاریخ فردا

بحث پیرامون تاریخ فردا را می‌توان با این پرسش‌ها پی‌گیری کرد که: ما از گذشته به عنوان تاریخ چه چیزهایی را نمی‌دانیم؟ یا گذشته، در چه مکان‌ها و زمان‌هایی با ما سخن نمی‌گوید؟ به عبارت دیگر آن چه که به عنوان تاریخ داریم چه کمبودهایی دارد؟ در این‌جا به ارزیابی بیشتر زمینه‌ی به وجود آوردن این پرسش‌ها می‌پردازیم.

در نگاه اول، تاریخ علم آموزش درباره‌ی گذشته است. گذشته‌ای که ما نمی‌توانیم آن را تغییر دهیم. آن چه را که ما می‌توانیم بر آن مؤثر باشیم همانا آینده است. اگر چه ما بنا بر میزان آگاهی از عصر خود بر آن نباشیم که چنان عملی انجام دهیم، ولی هم‌چنان در آن چه که مانده - به عنوان آینده - توان

حاصل نیست، ولی این واقعیتی است که در همه حال این تلاش‌ها - چه در زمینه‌ی تفکر و یا عمل - حیطه‌ی تأثیر بر آینده را ترسیم می‌کند. به بیان دیگر، زمانی که درباره‌ی گذشته مطالعه می‌شود، این حقایق نادیده گرفته می‌شود. این بدین دلیل نیز هست که شاید بازیگران صحنه‌ی آن نقش‌ها رفته باشند. اما پیکره‌ی فعالیت‌هایی هنوز در حال شکل گرفتن است. این کنش‌ها و واکنش در قالب فعالیت‌های بشری همواره رو به آینده داشته‌اند. چنان که عمل امروز نیز دلیلی بر این مدعاست. هم‌چنین گذشتگان ما، یعنی بازیگران صحنه‌های متفاوت حیات بشری، بیش از آن که ما از آینده بدانیم، نمی‌دانستند. مانند ما، آن‌ها تنها می‌توانستند امیدوار یا نگران از آینده باشند. و دیگر این که آن‌ها - گذشتگان - مانند ما آینده‌ی خویش را چنان که گشوده بود می‌دیدند، در حالی که

## مکانیسم‌های حضور در تاریخ

گذر از زمان حال به گذشته و حضور در صحنه‌ی تاریخ دارای یک کانال اصلی است که با دو نماد قابل تفسیر است: ۱. شاهد، ۲. مورخ. گذشته، سیطره‌ای مطلق بر حال و آینده دارد. این مطلب یکی از اصولی‌ترین استنتاج‌های مورخین درباره‌ی کارکرد و پی‌آمد تاریخ‌دانی را بیان می‌کند. اما این که این گذشته چگونه در چشم مورخ یا خواننده به حیطه‌ی تاریخ دست می‌یابد، خود محل پرسش و تأمل بسیار است. آیا همه‌ی گذشته در نزد مورخ صلاحیت تاریخ‌نامیدن را دارد؟ و یا برعکس آیا تاریخ می‌تواند همه‌ی گذشته را در خود جای دهد؟ آنچه مسلم است تاریخ جزئی از گذشته است؛ به همین دلیل نزد مورخ آن قسمت از گذشته حیات بشر می‌تواند به عرصه‌ی ادبیات تاریخ کشیده شود که دارای ویژگی‌های خاصی باشد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین و ضروری‌ترین ویژگی آن است که برای گذشته شاهدی داشته باشیم. بنابراین آن قسمت از گذشته که شاهدی ناقل خبر برای مورخ داشته باشد، می‌تواند قابلیت حضور در صحنه‌ی تاریخ را داشته باشد. اما این شاهد چیست؟ و به چه شهادت می‌دهد؟ آیا روال عادی زندگی شاهدی داشته یا آن که شاهد زمانی چشم بر صحنه‌ای دوخته است که تلقی ما از آن وضع، رخداد یا واقعه است؟ مسلم این که روال عادی حیات اجتماعی ایجاد حساسیتی نمی‌کرده که شاهد (فرد یا افرادی) تمایل بر اعلام آن وضعیت داشته باشند. معمولاً واقعه به شرایطی گفته می‌شود که روال عادی حیات را قطع کرده و چشم‌انداز دیگری را باز کند که با شرایط قبل متفاوت باشد. بنابراین می‌توان تصور کرد که شاهد معمولاً سخن از روال عادی و یک دست حیات اجتماعی ندارد، بلکه اساساً روال عادی، خود نیز نیازی به شاهد ندارد. به بیان دیگر، بستر عادی حرکت

وضع گذشته‌ی جوامع، محل توجه مورخ نمی‌تواند واقع شود. آنچه که مورخ بالقوه می‌تواند درباره‌ی آن سخن بگوید جریان اموری است که نظر شاهدی را جلب کرده باشد و بر وقوع آن گواهی دهد. از سوی دیگر شاهد از این منظر نمی‌تواند مفرد باشد. با مثالی که می‌توان نتیجه‌ای آن را به گذشته بسط داد این نکته را پی می‌گیریم. وقایعی مانند زلزله، جنگ و انقلاب چیزهایی که تنها یک نفر شاهد وقوع آن‌ها بوده باشند. از میان انبوه شاهدان، عده‌ی اندکی آن وضع را به «متن» تبدیل می‌کنند؛ یعنی بر وقوع حادثه گواهی می‌دهند. اصل وقوع را همه قبول دارند. اما در چگونگی بیان آن، به دلایل گوناگون، می‌تواند اختلاف باشد. بنابراین شاهد‌های منفرد دست به تبیین شرایطی می‌زنند که اولاً خیلی‌ها گواه آن بوده‌اند و ثانیاً بستر عادی نظر آن‌ها نبوده، روالی که غیر از عرف و معمول منطبق هر زمانی بوده



مورد ثبت و ضبط قرار گرفته است. هر چه به دل گذشته فرو رویم نوسان وقایع جهت ثبت می‌بایستی شدت بیشتری می‌داشته تا جلب‌کننده‌ی نظر شاهد باشد. این از آن روست که اولاً محدوده‌ی نشر خبر، به دلیل ضعف ارتباطات، بسیار کم‌وسعت بوده و ریز وقایع، مگر آن‌جا که مورخی در رکاب بوده، ثبت نشده است. اما امروزه به دلیل گسترش ارتباطات و اسباب ثبت و تولید انبوه مواد خام برای مورخ خیلی از نوسانات ریز که در گذشته به عنوان بستر عادی امور

منتقل شود. روزنامه‌ها و سایر اسباب خبر برای مثال، امروزه توانسته‌اند این خلاءها را تاحدودی مرتفع سازند.

دیگر این‌که، بدیهی است که پیش از این، جوامع مختلف و کشور ما نیز دارای تأسیسات مدنی بوده‌اند. اما نکته‌ی مورد توجه این است که نوع و گستره‌ی پوشش‌دهی این تأسیسات و چگونگی ارتباط آن‌ها با قدرت سیاسی به طور مستقل و یا به عنوان مجری، در همه حال بر روی محتوای تولید سند مؤثر بوده است. برای

کارگزاران حکومتی نیست. این محصول شاید به بازسازی قسمتی کوچک از تاریخ کمک کند. اما تاریخ‌سازان تنها در عرصه‌ی حکومتی و رسمی مقام ندارند. پرداختن به جنبه‌ی دیگر تاریخ نیازمند اسنادی است که تولیدات رسمی و محتوای نامه‌های اداری نمی‌تواند تنها نقطه‌ی تکیه‌گاه مورخ در این زمینه باشد.

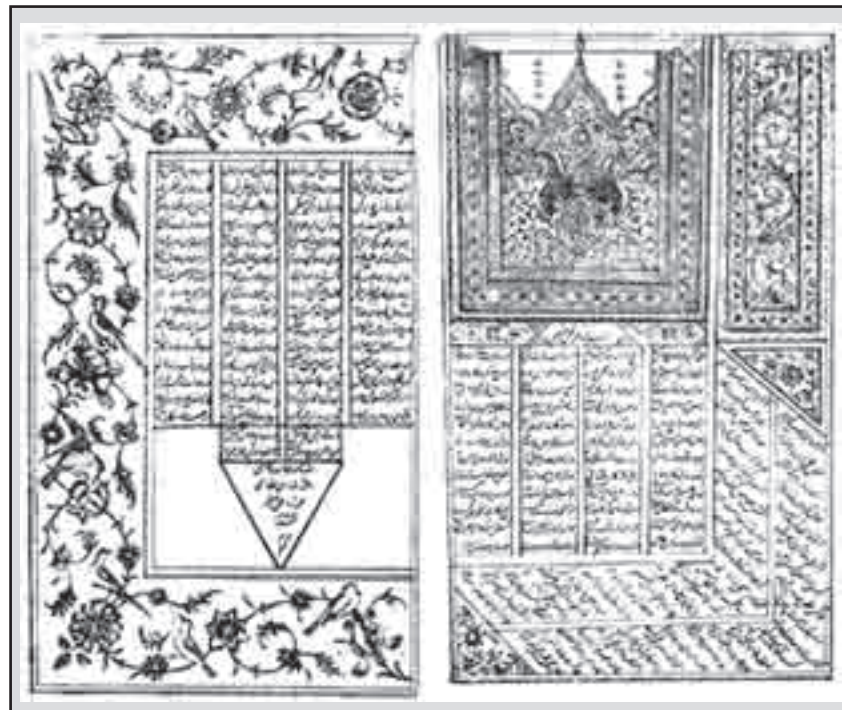
در این میان گروه دیگری از اسناد هستند که می‌توان از آن‌ها تلقی نیمه‌رسمی داشت. اسنادی که در همه حال یک سوی آن دولت‌ها باشند، در این گروه طبقه‌بندی می‌شوند. به بیان دیگر مجموعه‌ی مکاتباتی که دوایر دولتی به غیر دولتی و یا از سوی مردم به اداره‌ها و مجموعه قراردادهایی که میان مردم نوشته شده و به تأیید مقامات رسیده باشد، شامل این گروه از اسناد می‌شوند. نیمه‌رسمی بودن منبع تولید، به معنی عدم صحت و یا نقصان محتوا نیست. بلکه مفهوم آن این است که مسیر گردش سند خارج و یا به آن وارد شده است. برای مثال، مجموعه‌ی شکایات و احکام صادره برای آن‌ها در این تقسیم‌بندی می‌شوند. اما اسناد غیررسمی شکل‌گیری و جریان آن خارج از مدار اداری بوده و در آن‌ها اداره‌ی حاکمیت نقشی ایفا نکرده است. مجموعه‌ی خاطره‌نگاری‌ها، نامه‌های شخصی و خصوصی، فنون ادبی، عکس‌ها و روایت‌های شفاهی از

وقایع و جریان‌های که مربوط به روال زندگی مردم معمولی بوده را می‌توان در این مجموعه دسته‌بندی کرد. میزان اعتماد به این دست از اسناد بنابر منبع تولید، زمان و مکان آن متفاوت است. اما آنچه که موجب ارجحیت این گروه از اسناد کمتر باشد. البته اگرچه انگیزه‌های متفاوتی می‌تواند زمینه‌ی تولید آن را فراهم کرده باشد، ولی در همه حال، در خیلی از موارد مؤلف آن‌ها قصد اعلان

نمونه، سیستم اداره‌های دولتی با سابقه‌ی طولانی خود تاحدودی به نحوه و کیفیت تولید آشنایی دارند. گو این‌که تولیدات آن‌ها برای تاریخ نیست، بلکه متعلق به حیات روزانه‌ی ارباب رجوع و مسائل مختلف اداری است. نامه‌های اداری و ارگان‌های حکومتی در هر سطح از این دست اسناد هستند. بازسازی زمان حال برای مورخ فردا براساس این نوع از اسناد چیزی به جز تاریخ رسمی اداره‌ی گذشته‌ی امور از چشم

تلقی می‌شد - یا حداقل برای شاهد چیز قابل ملاحظه‌ای در برداشت - اهمیت یافت و دست او را در حتی بازسازی برخی لحظه‌ها عادی از جهات اجتماعی نیز باز گذشته است.

ادعای آزاداندیشی، به‌ویژه در حیطه‌ی تاریخ‌نگاری به این مفهوم است که مورخ بتواند حتی بستر عادی امور گذشته را بازسازی کند؛ بنابراین او نیاز دارد که حجم عظیمی از مواد، از طریق شاهد، به وی



اگر چنین چیزی زمانی مقدور نیز باشد، تباین زمانی مورخ، متن تولید شده توسط او براساس شواهد و خواننده<sup>۱۸</sup> نمی‌تواند انطباق کامل گذشته را در تاریخ فراهم کنند. اما با این وجود مورخ امروز ناگزیر از آن است که پرسش‌های مکمل خود را جهت دادن راهکارهای علمی به مورخ فردا ارائه دهد. برای مثال به دو گروه از پرسش‌های زیر توجه کنید:

### گروه اول

۱. چه کسی این سند را نوشته است؟



۲. کی و چگونه ما به آن دسترسی پیدا کرده‌ایم؟
۳. آن‌ها به چه منظوری نوشته (یا تولید) شده‌اند؟
۴. چه نوع سندی هستند؟
۵. چه نوع اطلاعات دیگری نیاز است تا به این سند مفهوم کاملی بدهد؟
- ### گروه دوم
۱. سند به ما چه می‌گوید؟
۲. درباره‌ی تولیدکنندگان آن چه

کشیده می‌شود. یعنی مورخ امروز به‌طور قطع با مورخ پیشین این تمایز اصلی را دارد که نیاز آن‌چنانی به ثبت وقایع ندارد. بلکه هر واقعه از سوی منابع متفاوتی خودبه‌خود ثبت و ضبط می‌شود.

تاریخ آینده از جهتی دیگر، با بیان کارکردی و پیشنهاد روش‌های مناسب جهت چگونگی تولید، حفظ و نگهداری اسناد، بر آن است که چشم‌اندازهای دیگر را فراروی مورخ باز کند. از مورخ فردا

چنین انتظار می‌رود که بتوان افزون بر شرح وقایع به مفاهیم و تعبیر<sup>۱۵</sup> آن نیز پردازد. او خارج از وقایع رسمی گام زده و یا چشم‌اندازهای ناموده‌ی آن وقایعی را نیز، که خیلی مرتبط با حیات روزانه‌ی مردم عادی است، نمودار سازد. به بیان دیگر تعبیر و مفاهیم معمولاً مجموعه نظرگاه‌هایی است که حول محور یک واقعه وجود داشته و این مورخ است که، ضمن آشکارسازی آن رخداد، به برجسته‌سازی امواج ثبت نشده‌ی آن می‌پردازد؛ امواج ثبت نشده‌ای که محصولات سرپنجه‌ی قلم<sup>۱۶</sup> خود نمی‌توانند بیانگر کامل آن باشند که حداقل چه عواملی باعث ثبت خبر شده‌اند. به بیان دیگر وقوع حوادث یک مطلب می‌تواند باشد که در تواتر آن مورخ در همه حال آن را محقق دانسته و به آن معتقد می‌شود. اما چرایی و چگونگی ثبت آن به مجموعه دلایلی باز می‌گردد که در متن از آن‌ها ذکری نیست. ولی در گفتمان واقعه، ضرورت ثبت اهمیت یافته است. امروز با اهمیت‌یابی این نگرش در تاریخ‌نگاری برای مثال: به تاریخ شفاهی<sup>۱۷</sup> جایگاه ویژه‌ای داده می‌شود. چرا که مصاحبه‌شونده در این شیوه از تولید سند، سؤال‌های مصاحبه‌کننده بیشتر به آن سمت می‌رود که نظرگاه‌ها و احساسات «پیرامونی وقایع» را نیز ثبت نماید. تاریخ‌نویسی کامل به معنی بازآوری گذشته در متن، شاید هیچ‌گاه میسر نشود.

و چاپ آن‌ها را نداشته و تنها برای به یاد ماندن خود و اظهار پاره‌ای علایق شخصی به آن مبادرت کرده است.

دفتر یادداشت یک بزاز محل، که در آن نام مشتری‌ها، مبلغ خرید، میزان بدهکاری‌ها و اقساطی را که به‌طور هفتگی یا ماهیانه، دریافت می‌کرده، برای مثال می‌تواند خود بیانگر قدرت خرید، نوع اجناس موردعلاقه و کم و کیف اعتماد حاکم بر منطقه‌ای را روشن کند.

از این رو امروزه، برای مورخان ارجحیت با منابعی است که با هدف تاریخ‌نگاری به وجود نیامده باشند،<sup>۱۳</sup> تا بتوان از آن‌ها به عنوان سند جهت بازسازی حیطه و زمان خاص استفاده کرد. این مطلب در درجه‌ی نخست وجه تمایز بازسازی «متون تاریخی» با متونی است که «برای تاریخ» نگاشته شده است. متون تاریخی در حقیقت متونی هستند که به معرفی و ثبت «امور مسلم» تاریخی پرداخته‌اند.<sup>۱۴</sup> و نویسنده تفسیر و نظری از خود را به خواننده انتقال نداده است. در حالی که متونی که درباره‌ی تاریخ نوشته شده، خواننده در خیلی از موارد شاهد حضور نویسنده و نظرهای او در صحنه‌های مختلف تاریخی است. این دست از کارهای تاریخی، در همه حال، اگر در زمان واقعه شکل گرفته و در ذهن مورخ پالایش یافته باشند، از این جهت می‌توانند مثر ثمر باشند که نشان‌دهنده‌ی گفتمان زمان بوده و به فهم دوره‌ی مورد تحقیق کمک می‌کنند ولی در همه حال نمی‌توانند به‌طور محوری پایه‌ی تحقیق قرار گیرند. به‌ویژه در دوره‌ی معاصر مورخ از این حیث می‌تواند خوش‌شانس باشد که تولید انبوه اسناد توانسته است جای تاریخ‌نگاری را جهت ثبت وقایع پرکند. گو این‌که تولید اسناد مشکوک نیز می‌تواند تردیدهایی در صحنه‌ی باور حوادث حساس به بار آورد. اما در همه حال در صورت صحت منبع تولید سند، کار مورخ به تحلیل و تفسیر

اطلاعاتی می‌دهد؟

۳. چه پیامی را نویسنده (تولیدکننده) می‌خواهد انتقال دهد؟

۴. چرا این وسیله را جهت انتقال ایده‌ی خود انتخاب کرده است؟

اگر چه این پرسش‌ها بعدها و پس از تولید سند مورد توجه قرار می‌گیرند، اما اگر در زمان تولید مورد توجه باشند در همه حال می‌توانند تاحدودی مشکلات تاریخ‌نگار فردا را مرتفع سازند. برای مثال

ارتباط صحیح با متن (سند) ارائه شده بکند و از سوی دیگر از کانال این متون به عرصه‌های گذشته دست یافته و آن‌ها را نزد خود متصور سازد. ۳. و نهایتاً مطالب بتوانند با هنرمندی، گذشته‌ی متن و یا تولیدکنندگان آن را در بازسازی گذشته و نه گذشته‌ای که صرفاً در متن منحصر بماند، بلکه گذشته‌ای که خواننده احساس کند با کلمه‌های متن به آن وارد شده و در گشودن هر واژه‌ای بتواند به دقایق گذشته

چشم‌اندازهای کامل‌تر تاریخی راهکارهای عملیاتی ارائه دهند. در غیر این صورت مورخین سازندگان بناهای نیمه‌کاره‌ای خواهند بود که مابقی آن را باید بیشتر با مصالح حدس و گمان تکمیل کنند. به‌ویژه که این ضعف هنگامی بیشتر خودنمایی می‌کند که مورخ مبنای پایه گذشته‌ها را با این دست مصالح برآورد.

#### پی‌نوشت

1.R.V.Danials, "Does the present change the pass?" in the journal of Modern History, no 2, june 1998, pp431-35, p431.

2.R.A.Rosenstone, "A history of what has not yet happened" in Rethinking History, 4:2 2000, pp 183-192.

3.Ibid, p184.

4.event

5.discourse

6.Fact

۷. مقایسه کنید: ع. زرین کوب، تاریخ در ترازو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۴، ص ۱۸.

8.M.Stanford, "A Companion to the study of history", London 1999, p54-55.

9.public attempt

10.ordinary

11.Text

12.W. H. McNeill, "The changing Shape of world history", p25-26 in History and Theory, Issue 34-1995, pp8-26.

13. M. Moss, "Archives, the historians and the future", in Companion to historiography London 1997, pp960-977, p961

۱۴. نگاه کنید به مفهوم fact در : پرز زاگورین، «تاریخ‌نگاری پست‌مدرنیسم و...» ص ۷۸ در تاریخ معاصر ایران، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۰، ص ۶۳-۸۸

15.meaning

16.written word

17. Oral history

18.reader

19.filter

20.B. Brivati, "Using Contemporary written Sources: three Case Studies", p290-91, in The Contemporary history had book, Manchester 1996, pp289-97.

21.analysis

22. communication

23.truth

### تاریخ‌سازان تنها در عرصه‌های حکومتی و رسمی مقام ندارند. پرداختن به جنبه‌ی دیگر تاریخ نیازمند اسنادی است که تولیدات رسمی و محتوای نامه‌های اداری نمی‌تواند تنها نقطه تکیه‌گاه مورخ در این زمینه باشد

بازگشته در آن سیر نماید و آن‌گاه تاریخ را دریابد.

در میان این سه نکته، نقش مسئله‌ی دوم، یعنی انتقال و ایجاد ارتباط، برای بحث ما دارای اهمیت بیشتری است. سندی خوب است که بتواند به روشنی مطالب و پیام خود را (محتوا) به زمان‌های بعد منتقل کند و کسانی که در آینده هستند بتواند به صراحت و دقت آن را دریافت نمایند. یعنی دریافت‌کننده‌ی پیام حداکثر منظور تولیدکننده‌ی آن را دریابد. در همه حال مورخ فردا می‌خواهد از کانال ارتباط با امروز با تاریخ آینده تماس حاصل نماید.

جهان نیم‌ساخته‌ی دیروز از یک جهت در واقع خیلی متأثر از علم ایجاد ارتباط مورخ به دلیل کمبود اسناد و شواهد بوده و از جهت دیگر، جهان‌های گمشده در خیلی از موارد به دلیل آدرس نادرست و ناقص بوده است. با اذعان به این مطالب مورخ امروز بایستی به یاری مورخ فردا رفته و در توصیه‌های خود به تولیدکنندگان اسناد، از سوی نحوه‌ی ایجاد متون زلال و دقیق و میزان تولید ضروری را و از سوی دیگر در چگونگی نهادینه کردن آن به‌ویژه در بین

مسئله‌ی انتقال اطلاعات از کانال اسناد بی‌شک برای ایجاد ارتباطات است. یعنی مهم‌ترین کار سند، ایجاد ارتباط<sup>۲۲</sup> میان تولیدکننده (گذشته) و خواننده‌ی آن (حال) است. این کارکرد به شکل عمومی‌تر، در خود علم تاریخ نیز مطرح است. یعنی علم تاریخ تلاش دارد نسل‌های مختلف را از راه اطلاعات و شواهد به متون با یکدیگر اتصال داده و میان آن‌ها تماس برقرار کند، به‌نحوی که تفاهم میان حال و گذشته چنان برقرار شود که نتیجه‌ی آن در آینده به سیلان و جریان امور حیات بشری، چه در مقیاس بزرگ آن یعنی جامعه‌ی جهانی و چه در مقیاس کوچک‌تر مانند شهرها، کمک نماید. از این‌رو می‌توان به سند یا متن تاریخی اطلاق خوب کرد که بتواند سه خصیصه‌ی زیر را در این راستا در برداشته باشد: ۱. سند و یا کتابی از نظر تاریخ و تاریخ‌نگاری خوب است که دربردارنده‌ی واقعیت‌ها و حقایق<sup>۲۳</sup> باشد. ۲. دیگر آن‌که بتواند این دستاوردها، حقایق و واقعیت‌ها را به خوبی به خوانندگان خود در زمان‌های مختلف انتقال دهد. یعنی از یک سو خواننده بتواند به سهولت ایجاد